

سناریو برای نقش بازی کردن

{ یادداشت برای رهنماها: سناریو های زیر مثال های عمومی بر اساس وضعیت زندگی واقعی است که ممکن در افغانستان اتفاق بیافتد یا هم نیافتد. انتظار نداشته باشید که این سناریو ها در جاهای که شما ترینگ/ دوره آموزشی را برگزار کرده اید، مطابقت داشته باشد. این سناریو ها را با یکی از همکاران ارشد محلی وفق بدهید، و بهتر خواهد بود که خودتان بر اساس مثالهای واقعی در محلی که هستید، سناریو ایجاد کنید. یکی از پیشنهادات برای طرح سناریوهای کوتاه اینست که سناریو ها را ساده و مختصر بسازید که در عین حال معلومات کافی در اختیار شرکت کنندگان قرار بدهد تا بتوانند در مکالمات واقعی از آن کار بگیرند. }

سناریوی شماره یک: شوهرم گم است

شوهر شما سه روز پیش در مسیر کار ناپدید شد. او میوه فروش است. در محل شما شبه نظامیان فعال اند و همان صبح، مثل هر روز صدای تیراندازی را شنیدید. همان صبحی که شوهر شما ناپدید شد، شما از یک همسایه شنیدید که یکی از شبه نظامیان، چند مرد را برای پیوستن به گروه شان به زور با خود برده است.

سناریوی شماره دو: چرا نام من در فهرست نیست؟

شما بخاطر اینکه همسایه تان از یک موسسه غیردولتی کمک مالی دریافت کرده و شما دریافت نکرده اید، ناراحت هستید. شما توسط "یک فرد از یک موسسه غیردولتی یا سازمان ملل متحد مصاحبه شدید، اما هیچگاهی از او پاسخی دریافت نکردید و نام آن موسسه را بخاطری که همه ی شان همسان اند، به خاطر ندارید. شما و همسایه تان از لحاظ عاید روزانه و بزرگی خانواده در وضعیت مشابهی قرار دارید.... و شما نمیدانید که چرا به شما کمک مالی نشده است. به شما گفته شده که اگر پول بدهید، فوری از سوی موسسه غیردولتی کمک دریافت خواهید کرد.

سناریوی شماره سه: برای کودکانم نان داده نمیتوانم که حالا ویروس کرونا آمد

شما چهار کودک دارید و همسر ندارید و نان دادن شان، برایتان ناممکن است. شما به مرکز شهر به بازار آمده اید و یک کارمند موسسه غیردولتی را دیدید و تصمیم گرفتید با او تماس بگیرید. شما در روستای زندگی میکنید که فکر میکنید بر اساس آنچه که میدانید، چند مورد ویروس کرونا دیده شده- شما در مورد بیماری کووید نزده زیاد نمیدانید. ظرف دو تا سه هفته اخیر شما به سختی مواد اولیه را به دلیل اینکه فروشندگان مارکیت به سختی به روستا میایند، به دست آورده اید. هفته قبل چند تن شان فقط یکبار به روستا آمدند زیرا ترسیده اند. مهمتر از همه، این مواد اولیه به شکل روزافزون قیمت شده اند.

سناریوی شماره چهار: لطفاً آب بیاورید!

شما بزرگ یک محله هستید که میخواهید آب را به همسایه های تان در حومه یک شهر بیاورید. این محله غیررسمی است و از سوی شهرداری حکومت به رسمیت شناخته نمیشود. مردم این محل به سختی آب کافی برای نوشیدن پیدا میکنند بناءً نمیتوانند پیشگیری های اساسی حفظ الصحه در برابر کووید نزده را داشته باشند. شما خوش شانس هستید که یک جنراتور برای پمپ کردن آب از زیر زمین دارد، اما بسیاری از مردم در همسایگی شما چنین امکانات را ندارند. کیفیت آب خوب نیست و شماری در همسایگی شما بیمار شده اند. شما نمیدانید که دلیل این بیماری کووید نزده است یا آب.